

## یادداشت

آرمین ساروخانیان  
روزنامه‌نگار

نقدی به قانون تمدید اجباری قرارداد های یکساله

### بازیکن فوتبال لبنیات نیست!

فدراسیون فوتبال قوانین جدیدی برای فصل نقل و انتقالات در نظر گرفته و امیدوار است که به کمک آنها هزینه‌های تیم‌های لیگ برتری کمتر شود. پولی که در فوتبال ایران خرج می‌شود بالاتر از کیفیتی است که در مسابقات می‌بینیم و قطعاً می‌توان هزینه‌ها را کاهش داد، ولی قوانین دستوری که گاهی با قوانین فیفا هم مغایرت دارد، بعید است بتواند مشکلات را برطرف کند و مثل نمونه‌های قبلی محکوم به شکست است. یکی از این قوانین که با اعتراضات بیشتری روبه‌رو شده به باشگاه‌ها اجازه می‌دهد که قرارداد یکساله را بدون نیاز به موافقت بازیکن با افزایش ۲۵ درصد رقم دستمزد تمدید کنند.

هوشنگ نصیرزاده در دفاع از این حکم در یک برنامه تلویزیونی گفت که قرارداد یکساله برای فوتبال سم است. او اضافه کرد که درصد افزایش قرارداد با توجه به تورم سالانه در نظر گرفته شده است. نظر مدیرعامل تراکتور درباره مشکلات قرارداد یکساله قابل دفاع است. تغییرات کمتر در جمع بازیکنان به معنی ثبات بیشتر و بالا رفتن کیفیت تیم‌هاست. در فوتبال اروپا هم خبری از قرارداد یکساله نیست، چرا که باشگاه‌ها و مربیان پروژه‌های بلندمدتی تعریف می‌کنند، مگر اینکه بازیکن در آخرین سال‌های فوتبالش باشد. چاره‌فغ این مشکل اما تصویب این قانون عجیب نیست. باشگاه‌ها می‌توانند از روز اول با قرارداد یکساله موافقت نکنند و قرارداد دو ساله ببندند، ولی این قانون جدید تعهد یکطرفه‌ای را برای بازیکن بوجود می‌آورد و این غیرمنصفانه است. اگر بازیکن فصل موفقی داشته باشد باشگاه او را مجبور می‌کند که یک فصل دیگر ادامه بدهد، ولی اگر نتواند با خواسته‌های مربی هماهنگ شود باشگاه بعد از یک سال می‌تواند قید او را بزند.

ایراد دوم این قانون فرمولی است که برای افزایش دستمزد بازیکن در نظر گرفته شده. کالا نیست که بتوان قیمت جدیدش را فرمولیزه کرد و ضریبی از قیمت سال قبل دانست.

مهم‌ترین عاملی که قیمت یک بازیکن را تعیین می‌کند کیفیت اوست. مثلاً هافبک یا مهاجمی که آمار گل یا پاس گل بالایی داشته باشد قیمتش در بازار ممکن است چندبرابر شود. در چنین مواردی دیده شده باشگاه‌ها با بازیکنی که قرارداد دارد حتی در میانه فصل قرارداد جدید و بلندمدتی با دستمزد بالاتر پیشنهاد می‌کنند تا تضمین‌ها برای نگه داشتن او بالاتر برود. از طرف دیگر بازیکنی که کیفیتش پایین بیاید و کمتر از انتظار باشد، قیمتش افت می‌کند و قرارداد بعدی او قطعاً باید پایین‌تر باشد. سؤال از حامیان این قانون این است که آیا باشگاه حاضر است با چنین بازیکنی هم قرارداد جدیدی با افزایش ۲۵ درصدی ثبت کند؟ استفاده از فرمول تعیین قیمت کالا برای بازیکنان فوتبال که عملکردشان در نوسان است و با توجه به شرایط محیطی بالا و پایین زیادی دارند، منطقی نیست و محکوم به شکست است.



### نبی کیتا

انتقال به وردربرمن

نبی کیتا، هافبک ۲۸ ساله فصل قبل لیورپول به عنوان بازیکن آزاد به وردربرمن پیوست. کیتا در تابستان ۲۰۱۸ با ۶۰ میلیون یورو از لایپزیگ به لیورپول رفت اما به دلیل مصدومیت‌های زیاد نتوانست خیلی در ترکیب اصلی قرار گیرد. در مدت پنج سال، این بازیکن گینه‌ای ۱۲۹ بازی برای لیورپول انجام داد، ۱۱ گل به ثمر رساند و ۷ پاس گل داد. وردربرمن فصل گذشته در ده سیزدهم بوندس لیگا قرار گرفت.



### توماس توخل

۷ بازیکن در لیست فروش

توماس توخل ۷ بازیکن را در لیست فروش بایرن مونیخ قرار داده است. مهم‌ترین نام سادیو مانه است که فصل گذشته از لیورپول خریداری شد و ۱۲ گل زد. لروی سانه و سرژ کنبری، دو مهاجم دیگر هم در این لیست حضور دارند. الکساندر نوبل، یونا سار و مارسلو سابیترز که در ژانویه به صورت قرضی به منچستر یونایتد پیوست و در نهایت بنزامن پوار، مدافع فرانسوی این فهرست را کامل می‌کنند.



### پیام نیازمند

قرارداد دو ساله با سپاهان

پیام نیازمند که فصل گذشته عملکرد خیلی خوبی با سپاهان داشت با قرارداد دائمی به این تیم پیوست. او سال گذشته به طور قرضی از پورتیمونزه به اصفهان رفته بود، ولی حالا قرارداد دائمی دو ساله‌ای با سپاهان امضا کرد. او یکی از بازیکنان کلیدی فصل گذشته سپاهان بود و در فهرست تیم ملی برای تورنمنت کافا هم حاضر است.

## افزایش بازیکنان خارجی ضامن پیشرفت نیست

# دویدن بیهوده پشت قطار فوتبال آسیا



به یک وسیله بزرگ تجاری است. فرایندی که محصول اصلی و نهایی آن ناسالم‌تر شدن هر چه بیشتر فوتبال خواهد بود. با همه این اوصاف لازم است سران فوتبال ما با گرد آوردن صاحب‌نظران داخلی و کارشناسان فوتبال بین‌الملل به کشف و تبیین راه‌هایی بپردازند که براساس آن بتوانیم در زمانه مدرن فعلی و عصر چربش شدید «اقتصاد» بر «ورزش» هم از چرخه‌های روز فوتبال آسیا و دنیا دور نمانیم و مدل‌های پیشرفته‌تری از فوتبال روز جهان را در کشور خود به اجرا بگذاریم.

شاید زودتر شدن سهمیه حضور خارجی‌ها در لیگ ایران قدم اولیه در این راه تلقی شود اما این کافی نیست و باید ساز و کارهایی اساسی‌تر و روش‌های فراگیرتری را با مشارکت استادان فوتبال بین‌الملل برای خود تنظیم و آن را اجرایی کنیم. طلبیدن چنین چیزی از فدراسیون فوتبال نه چندان ژرف‌نگر و سرشار از لغزش‌ها است اما اگر چنین خیالی است اما اگر چنین نشود، دیری نخواهد پایید که فوتبال باشگاهی و ملی ایران بیش از همیشه در انزوا و ورطه ناکامی فرو خواهند رفت و آنقدر بیهوده پشت قطار سرعت گرفته فوتبال آسیا خواهیم دوید که به کلی از پای درآییم.

بی‌رویه مفید و عقلایی هم نیست. مقید نیست چون ما را از خرج کردن در راه‌های صحیح‌تر و موارد الزامی‌تر مانند تقویت زیرساخت‌های فوتبال باز می‌دارد و عقلایی نیست چون هر ورزشکاری و بواقع هر انسان ماهر و ممتازی یک قیمت معقول دارد و اگر قرار باشد به خاطر بعضی مسائل و چشم‌وهم‌چشمی‌هایی بسیار کلان‌تر از آن برای او بپردازیم، نه تنها به خودمان ضربه می‌زنیم بلکه پول‌سالاری زیاد روی‌ها را تشدید و به گونه‌ای آن را تأیید می‌کنیم.

این در حالی است که مشکل اصلی فوتبال جهان افراط در پرداخت دستمزد به سوپرستارها و تبدیل کردن این ورزش

امسال مسی، امباپه، لواندوفسکی، بنزما و کین به لیگ ایران ضمیمه شوند و اصولاً آنها با نرخ بالا و شهرت چشمگیری که دارند، حتی پس از پیر شدن و تنزل «برند» شان جذب لیگ ایران نخواهند شد و به عربستان و قطر در غرب آسیا و لیگ‌های ژاپن، کره جنوبی و چین در شرق این قاره خواهند رفت. کافی است خارجی‌های جذب شده توسط باشگاه‌های ما در حد لوکادیا و یامگا در یکی، دو لیگ اخیر و جان‌وارو، عماد رضا، آرمناک پطروسیان و ایمنون زاید در گذشته دورتر باشند و بواقع با آن دسته از خارجی‌ها باب همکاری را بگشاییم که اگر مانند بافته تیمی گومیس و موسی ماره‌گا، مهاجمان سابق و کنونی الهلال عربستان سرنوشت‌ساز نباشند، خیلی هم یابین‌تر از آنها ظاهر نشوند. این تنها راهی است که سبب خواهد شد افزایش تعداد «خارجی»‌های مجاز به حضور در لیگ ایران به‌نمره‌ای منتهی شود که قانونگذار آن را در ذهن و در متن هدف خود داشته و نص قانون نیز به خودی خود آن را ایجاد می‌کند. سر و صدای فراوانی که الحاق چند پی‌پیش کریس رونالدو به النصر عربستان آفرید و این موج با انتقال کریم بن‌زما و انگولو کانتبه به الاتحاد عربستان ادامه پیدا کرده، طبعاً این سؤال را برای همه آسیایی‌ها و بویژه ما که از نمادهای سهل‌انگاری در فوتبال قاره کهن هستیم، به وجود می‌آورد که سعودی‌ها به کدام سمت و سو می‌روند و مقصد فوتبال ما و نظایر ما کجا خواهد بود. بدیهی است که ما هرگز نتوانیم همان مبالغی را هزینه کنیم که سعودی‌ها می‌کنند زیرا ثروت و منابع مالی آزاد آنها بیشتر از تمامی آسیایی‌ها است و اصولاً این گونه خرج کردن‌های بی‌رویه مفید و عقلایی هم نیست.

مقید نیست چون ما را از خرج کردن در راه‌های صحیح‌تر و موارد الزامی‌تر مانند تقویت زیرساخت‌های فوتبال باز می‌دارد و عقلایی نیست چون هر ورزشکاری و بواقع هر انسان ماهر و ممتازی یک قیمت معقول دارد و اگر قرار باشد به خاطر بعضی مسائل و چشم‌وهم‌چشمی‌هایی بسیار کلان‌تر از آن برای او بپردازیم، نه تنها به خودمان ضربه می‌زنیم بلکه پول‌سالاری زیاد روی‌ها را تشدید و به گونه‌ای آن را تأیید می‌کنیم.

این در حالی است که مشکل اصلی فوتبال جهان افراط در پرداخت دستمزد به سوپرستارها و تبدیل کردن این ورزش

## یادداشت

وصال روحانی  
روزنامه‌نگار

همزمان با تصویب قانون جدید افزایش حضور بازیکنان خارجی در لیگ برتر فوتبال کشورمان و رسیدن آن به حدنصاب «۵+۱» این سؤال نیز پیش بر زبان‌ها نشست که اگر هدف از این کار ارتقای سطح کیفی لیگ است، چرا اکثر خارجی‌های جذب شده در سال‌های اخیر، از جمله در لیگ بیست و دوم (که اخیراً پایان یافت) کیفیت درخوردنی هدف مزبور نداشته‌اند. بواقع دور ماندن اکثر بازیکنان خارجی لیگ امسال از هدف ارتقای سطح کیفی آن به حدی بود که موجب تنزل گاه به گاه کارایی تیم خود می‌شدند و اضافه بر این با آمدن آنها، فرصت‌های شغلی از جوانان ما گرفته می‌شد و در نهایت در اکثر موارد بازیکنانی خارجی به میدان می‌آمدند که اگر ضعیف‌تر از هم‌تاهای ایرانی خود ظاهر نمی‌شدند، قطعاً قوی‌تر هم عمل نمی‌کردند. «یورگن لوکادیا» ی هلدنی با اینکه دیرآموز و در وقت و همچنین گنورگی گولسیانی، ریکاردو آوز و کوین یامگا از خارجی‌های موفق لیگ امسال ما بودند اما اکثریت با آن دسته از خارجی‌ها بود که خروجی کارشان اصلاً به سطح هزینه‌ای نرسید که صرف استخدام آنها شده بود. شاید عده‌ای بگویند رافائل داسیلوا هم و نیلسون جونیر هم در سپاهان نمره قبولی گرفته‌ولی واقعیت امر این است که لوسیانو پریرا برزیلی و گادوین منشائ نیجریه‌ای با وجود داشتن سابقه طولانی حضور در لیگ ایران، امسال روی هم رفته ۶ گل بیشتر نزدند و چنانچه محمد ربیعی سرمربی مس رفسنجان که آنها را در خدمت داشت، به جای این دو مهاجم پیر از دو فوروارد جوان‌تر ایرانی بهره می‌گرفت، به آمار بالاتری از گلزنی توسط آنها نائل می‌شد و مشکلات تهاجمی تیمش بیشتر حل می‌گشت.

تغییر متن قانون استفاده از «خارجی»‌ها در لیگ فوتبال ایران و بیشتر شدن حدنصاب قبلی فقط زمانی موجب رشد لیگ و ارتقای کیفی آن می‌شود که نقرات خارجی جذب شده کیفیت بالاتر از بازیکنان قبلی داشته باشند و مشابه آنها در ایران زیاد یافت نشود. هیچ کس مدعی نیست که باید

بیشتر شدن حدنصاب بازیکنان خارجی فقط زمانی موجب رشد لیگ می‌شود که کیفیت بالاتر از بازیکنان قبلی داشته باشند و مشابه آنها در ایران زیاد یافت نشود

## سوژه

### زمان طلایی برای آموزش از دست رفت

# داوران را دریابید!

بدترین و افشاح‌ترین فصل ممکن برای ادوار لیگ برتر، فصل گذشته رقم خورد. جایی که داوران ما، هر اشتباهی که فکرش را بکنید، انجام دادند. اصلاً انگار لیگ پرتنش ایران را سپرده بودند به داوران محلی. قضاوت‌های سطح پایین و پراشتباه که داد و فریاد همه را درآورد. از همان هفته اول، مربیان و بازیکنان

علیه داوران مصاحبه کردند که به طرز عجیبی، بین ۷۰ تا ۸۰ درصد از مصاحبه‌ها و اعتراضات، کاملاً درست بود. تصاویر تلویزیونی مشخص کرد که چقدر داوران ما بد عمل کردند و به نقطه‌ای هم رسیدند که هیچ اعتراض و فشاری روی عملکردشان، تأثیری نداشت. همانی بودند که فصل را شروع کردند و ادامه دادند.

اشتباهات داوری تا آخرین دقایق لیگ ادامه داشت و همه را عصبی کرد تا جایی که حتی قهرمانی پرسپولیس را هم زیر سؤال برد. مشخصاً، شخص خداداد افشاریان مقصر اصلی این اتفاق بود. او نه توانایی حمایت درست و حسابی از داورانش را داشت و نه نفوذی در اتاق ریاست فدراسیون که بتواند قانون مجازات بابت مصاحبه علیه

داوران را داغ کند. حالا که لیگ تمام شده، باز هم شاهد انفعال متولیان داوری در ایران هستیم. این یک فرصت طلایی است تا کلاس‌های توجیهی و فنی برای داوران برگزار شود. کمیته داوران یا تمام دپارتمان‌های زیرمجموعه‌اش کوچک‌ترین تلاشی برای افزایش توان علمی و فنی داوران تا به حال انجام نداده‌اند.

انفعال آنها، شرایط را بدتر کرده و این وضعیت، دورنمای عجیبی برای فصل آینده ایجاد می‌کند. داورانی که در فصل گذشته، آن حجم از اشتباهات را مرتکب شدند، در فصل آینده قرار است چه شاهکاری خلق کنند؟ قرار است شاهد چه مدلی از داوری‌ها و فجایع در نتیجه‌گیری‌ها باشیم؟ وقتی آموزش و فشاری از سوی کمیته داوری برای داورهای

پراشتباه نباشد، خروجی جایی هم اتفاق نمی‌افتد. آنها یا می‌دانند که چقدر مشکل وجود دارد و باید کاری انجام داد یا اصلاً چیزی از داوری و مدیریت نمی‌دانند و نیاز به تغییرات اساسی در بدنه فدراسیون وجود دارد. همه خودشان را دلخوش به اضافه شدن سیستم VAR کرده‌اند که این، خودش یک شاهنامه کامل است!